

## ادراک محیطی و کیفیت معنایی: بازخوانش معنا در محله‌های شهری

(نمونه موردی: محله هفت چنار تهران)<sup>۱</sup>

آرمین وس‌کاه

گروه معماری، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

فریبرز دولت‌آبادی<sup>۲</sup>

گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی اکبری

گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

### چکیده

کیفیت معنایی- ادراکی محله‌های شهری تحت عنوان قسمتی از کیفیت زندگی، اصلی‌ترین مباحث کلیدی در حیطه مطالعات شهری می‌باشد که با رشد سریع شهرنشینی و افزایش جمعیت دگرگون گشته است. به دلیل اینکه کیفیت معنایی- ادراکی محله‌های شهری دارای دو بعد عینی و ذهنی است و بررسی آن نیز به گونه عینی و بر اساس ادراکات ساکنان از محله انجام می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین کیفیت معنایی- ادراکی در محله هفت چنار تهران بر اساس رتبه‌بندی مولفه‌های حس تعلق، خوانایی و هویت این منطقه می‌باشد و فرضیه مطرح در نیل به این هدف این است که از دیدگاه ساکنان محله هفت چنار، مولفه خوانایی اصلی‌ترین مولفه کیفیت معنایی- ادراکی در محله هفت چنار تهران است. حال پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی- کمی و به روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و استفاده از ابزار پرسشنامه و تحلیل عامل تائیدی همراه با آزمون t تک نمونه‌ای به این نتیجه رسید که مولفه‌های خوانایی، حس تعلق و هویت اصلی‌ترین مولفه‌هایی هستند که کیفیت معنایی- ادراکی را در این محله رقم زده‌اند و از این میان، مولفه حس تعلق، بیش از دو مولفه دیگر، کیفیت معنایی- ادراکی این محله را منعکس می‌نماید که این امر به دلیل وجود خاطره جمعی در مرکز محله اصلی و فرعی، مدت زمان اقامت سکونت ساکنین قدیمی محله به جهت وابستگی به محیط و همسایگان، مشارکت ساکنین محله در برگزاری مراسم‌های مذهبی و همچنین وجود وابستگی ساکنین به نوع معماری و تزیینات موجود در این محله است.

کلیدواژه‌ها: محیط، ادراک محیطی، کیفیت معنایی، محله‌های شهری، محله هفت چنار تهران.

<sup>۱</sup> مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تدوین راهبردهای کیفیت کالبدی معماری شهری از طریق تجزیه و تحلیل ابعاد روانشناسانه محیط در شهر تهران» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاور نویسنده سوم است که در دانشگاه آزاد اسلامی کیش در حال انجام می‌باشد.

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: Email: f\_dolat@yahoo.com

شهرهای معاصر با دشواری‌های نوینی تازه ای مانند افزایش روزمره نابه‌نجاری‌های اجتماعی، خدشه دار شدن هویت و به دنبال آن از بین رفتن حس تعلق، گسترش مشکلات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی کم‌رنگ شدن کیفیت زندگی روبرو هستند. از این رو ابعاد پیچیده و زیاد همراه با دگرگونی ماهیت و پیچیدگی مسائل شهری، کل‌نگری و توجه به همکنشی‌های مسائل جهت حل پایدار آنها، ضروری است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۴). حال از آنجایی که شهرها دارای سیستم‌های پیچیده ای می‌باشند و بر اساس دگرگونی و تغییرات زندگی، به طور دائم، بر این پیچیدگی افزوده می‌گردد و هرچه بر پیچیدگی و گستردگی این سیستم افزوده گردد؛ کنترل و اداره آن نیز سخت‌تر می‌گردد (Saeidnia, 2004:2). در این میان اهمیت کیفیت محیط شهری تحت عنوان سکونتگاه، همه روزه در حال افزایش است؛ چرا که محیط‌های شهری در نخستین وهله؛ وسیله اساسی جهت گسترش انواع شاخص‌های زندگی را فراهم نموده (ملک عباسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰۶) و در وهله دوم جمعیت بسیاری جهت زندگی از نواحی اطراف به شهرها روی می‌آورند که باید به کیفیت محیط سکونت آنها توجه گردد (Rafeiyan et al., 2012:2). کیفیت محیطی در محله‌های شهری نه تنها به برآورد نمودن مایحتاج مادی انسانی توجه دارد، بلکه تأمین و ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی و گسترش اجتماعات مطابق با الگوهای رفتار اجتماعی را نیز مد نظر قرار داده است (Dadashpour & Koslokheh, 2014:6). بنابراین امروزه بهبود و ارتقاء کیفیت محیط محله‌های شهری، به عنوان یکی از هدف‌های اساسی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری بدل گشته است. اسداللهی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان بررسی نقش عناصر محیطی در کیفیت بصری فضا با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی دریافت که هم‌اکنون شهرهای جهان مملوء از علائم، نشانه‌ها و دیگر عناصر گرافیکی آموزش‌دهنده و اطلاع‌رسان هستند که عامل ایجاد نظم و یاری‌دهنده مدیران و مجریان برای به اجرا درآوردن قوانین و مقررات و ابزار توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. همه ساله ساختمان‌ها و مراکز بسیاری در دنیا ساخته می‌شوند که به دلایل مشابه، گرافیک محیطی جدیدتر و خلاقانه‌تری را ارائه می‌کنند. نشانه‌های تصویری خدماتی، نقش بسیار مهم و انکارناپذیری را در ارائه خدمات، راهنمایی، تسهیل در امر تردد و حمل و نقل شهری و اطلاع‌رسانی ایفا می‌کنند. طراحان گرافیک محیطی می‌توانند در کنار معماران، شهرسازان و دیگر عوامل دست‌اندرکار طراحی و ساخت و ساز محیط‌های شهری در ساماندهی صحیح عناصر گرافیکی محیطی، فعالیت نمایند. شایسته است عناصر گرافیک محیطی، علاوه بر برخورداری از کیفیت مناسب در کاربرد و ارائه خدمات، با بهره‌گیری از جنبه‌های زیبایی‌شناختی و روانشناختی، به گونه‌ای طراحی و خلق شوند که موجب آرامش، آسایش، نشاط و تحمل و استقامت انسان، در محیط‌های صنعتی و زندگی ماشینی امروز باشند. مظفر و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان بررسی کمی‌سازی کیفیت‌های طراحی شهری (رویکردهای پژوهش: روانشناسی محیط و ابعاد اجتماعی طراحی شهری تهران) با استفاده از فرایند کمی‌سازی کیفیت‌های مدنظر، با توجه به عدم قطعیت در روش‌های اتخاذ شده، محاسبات و برداشت‌های میدانی با استفاده از تکنیک‌های ریاضیات فازی دریافتند که کیفیات و عدم آشنایی با مفاهیم کمی شبکه‌ها و الگوهای شهری، سبب عدم بکارگیری و اجرای شایسته طرح‌های شهری در عالم واقعیت می‌شود. زمانی طراحی شهری خواهد توانست که مردم را ترغیب به حضور نماید و بستری برای تعامل هر چه بیشتر با محیط و تعامل با دیگران را فراهم نماید و به عبارت دیگر زمانی طرح‌های شهری انسان‌مدار به منصفه ظهور

خواهند رسید که بتوان با درک کاملی از کیفیات شهری، آنها را بر پایه الگوها و مدل‌های فنی و منطبق با عالم واقعیت پیش برد. رفیعیان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری با استفاده از روش مقایسه تطبیقی دریافتند که در شناسایی بافت‌های فرسوده از مدل موجود برای بررسی شاخصه‌ها و معیارهای کیفی در کنار مولفه‌های کمی مصوب استفاده کرد. حتی در اولویت‌بندی حوزه‌های مداخله در بافت‌های فرسوده مسئله دار، در طرح‌های منظر شهری و یا حتی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی بهتر طرح‌های موضعی نیز از آن بهره برد. راست‌بین و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان بررسی رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان) با استفاده از روش تحقیق کمی و تکنیک تحلیل سلسله مراتبی در دو مرحله، دریافتند که وجود رابطه‌ای مستقیم بین برآیند کیفیت‌های محیطی مورد پژوهش با سطح شاخص سرمایه اجتماعی است. روابط بدست آمده در این پژوهش بین کیفیت‌های شهری و سطح شاخص سرمایه اجتماعی، روابطی غیرخطی است که دلیل این امر را می‌توان تأثیرپذیری سرمایه اجتماعی از بسیاری از عوامل دیگر دانست که هر یک از این عوامل با توجه به محدوده‌های مورد مطالعه، از تأثیرهای متفاوت برخوردار است. نصیرسلامی و سوهانگیر (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان بررسی راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر با رویکرد روانشناسی محیطی با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که می‌بایست در نوع نگاه و عمق نگاه در اثر دانسته‌ها و دانش‌ها تغییر ایجاد نمود و برای نگاهی دیگر می‌بایست در روح مواد و محیط نفوذ نمود و به جزئیات توجهی بیشتر داشت. شاهی آقبلاغی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان سنجش شاخص‌های کیفیت محیط شهری (مطالعه ی موردی: مسکن مهر شهر سبزوار) با استفاده از ابزار پرسشنامه و آزمون  $t$  تک نمونه ای دریافتند که رضایت ساکنین ویژگی‌های سکونتی و عدم رضایت از ویژگی‌های محیط شهری است. کیفیت محیط شهری برآیند ویژگی‌های محیط سکونتی و ویژگی‌های محیط شهری است که با میانگین ۲.۶۲ کمتر از میانگین نظری ۳ است که نشان سطح پایین کیفیت محیط شهری و عدم رضایت شهروندان است. همچنین در بین شاخص‌های سه گانه محیط شهری، ویژگی‌های کالبدی-فضایی با ضریب بتای ۰/۷۳۵ اهمیت بیشتری از ویژگی‌های اجتماعی با ضریب بتای ۰/۷۳۲ و ویژگی‌های محتوایی با ضریب بتای ۰/۶۰۳ دارد. در تحلیل سطح نهایی مدل نیز محیط شهری با ضریب بتای ۱/۰۱۴ اهمیت بیشتری نسبت به محیط مسکونی با ضریب بتای ۰/۵۱۳ در سنجش کیفیت محیط شهری محدوده مورد مطالعه دارد. آریان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی-فضایی مؤثر بر ارزش زمین‌های مسکونی در محله زعفرانیه تهران با استفاده از روش تحقیق ANP و انجام مصاحبه دریافتند که مؤلفه‌های دید به نقاط اطراف زمین، ۰/۲۴۹، دسترسی به امکانات و فعالیت‌های شهری ۰/۰۵۱، ساختار قطعات زمین ۰/۰۱۱، آسایش محیطی ۰/۰۶۵، تصویر ذهنی ساکنین ۰/۴۴۱ و میزان امنیت محیط ۰/۲۲۸ بر قیمت زمین‌های مسکونی محله زعفرانیه تأثیر داشته‌اند. با توجه به پژوهش‌های پیشین پیرامون پژوهش حاضر مشخص گردید که تاکنون پژوهشی از باب ادراک محیطی و کیفیت معنایی در محله هفت چنار شهر تهران انجام نشده است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این باره است.

در پژوهش حاضر محله هفت چنار تهران در منطقه ۱۰ این شهر، به عنوان نمونه منتخب پژوهش حاضر انتخاب شده و مورد بررسی و سنجش واقع گشت. این محله از آنجایی که اقشار با درآمد متوسط و پایین را در خود جای داده است و دارای بیشترین کاربری مسکونی می‌باشد؛ می‌تواند گزینه مناسبی جهت بررسی مؤلفه‌های کیفی متاثر بر بهبود کیفیت معنایی - ادراکی محیط در جهت به وجود آوردن محیطی مناسب برای زیستن از دیدگاه ساکنان باشد. براساس آنکه رشد سریع شهرنشینی، افزایش جمعیت و فشردگی کالبدی در این محله، فشارهای زیادی به نواحی مسکونی وارد نموده است؛ سبب شده که محیط‌های مسکونی این محله به لحاظ کیفیت معنایی - ادراکی نادیده گرفته شوند. از این رو عدم انطباق مؤلفه معنایی - ادراکی محیط این محله با معیارهای هویت، حس تعلق و خوانایی که اصلی‌ترین مولفه‌های ایجاد کیفیت معنایی - ادراکی در محله‌های شهری هستند، محیط محله هفت چنار تهران را به فضایی کالبدی بدل نموده است. لذا پژوهش حاضر برآن است تا از طریق ارتقاء ارتباط با ساکنان محله هفت چنار، ادراکات آن‌ها را در ارتباط با کیفیت محیط این منطقه بدست آورد و به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های ایجاد کننده کیفیت معنایی - ادراکی محله هفت چنار شهر تهران بپردازد. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین کیفیت معنایی - ادراکی در محله هفت چنار تهران بر اساس رتبه بندی مؤلفه‌های حس تعلق، خوانایی و هویت این منطقه می‌باشد و در این راستا سئوال پژوهش حاضر عبارت است از: (۱) ادراک محیطی و کیفیت معنایی در محله شهری هفت چنار شهر تهران چگونه می‌تواند موجب بازخوانش مؤلفه‌های حس تعلق، هویت و خوانایی شود؟. حال در جهت رهیافت به پاسخ سئوالات مقاله حاضر از روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی - کمی استفاده شد که به لحاظ هدف، کاربردی است. ضمن آنکه پژوهش حاضر به لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی است و شیوه گردآوری اطلاعات به دو صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) می‌باشد. شیوه تجزیه و تحلیل یافته نیز استدلال منطقی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه بزرگسالان (افراد بالای ۱۸ سال) ساکن محله هفت چنار شهر تهران است. حال از آنجایی که پژوهش حاضر در دو مرحله کلی صورت گرفته است، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری بر اساس هر مرحله تدقیق گشته است. در نخستین مرحله، ادراک ساکنین محله هفت چنار از کیفیت محیطی بررسی گشته است که بر اساس ماهیت سئوالات همراه با اهداف پژوهش حاضر، شیوه نمونه‌گیری به گونه ای در دسترس انجام گشته است. از این رو در مرحله حاضر دو ملاک (ساکن همین محله بودن و مدت زمان اقامت بالای ۳۰ سال در این محله) جهت مشخص نمودن جامعه آماری و افراد نمونه منتخب پژوهش حاضر مورد توجه بوده است. در شیوه حاضر، انتخاب نمونه افراد جامعه آماری تا بدان جایی ادامه پیدا می‌کند که اشباع نظری انجام گیرد، بدین معنا که اطلاعاتی که از پاسخ‌های نمونه جدید حاصل می‌شود، همانند پاسخ‌های پیشین باشند و اطلاعات جدیدی را ارائه ندهد. از این رو حجم نمونه در مرحله حاضر به ۱۴ نفر ختم یافت. در دومین مرحله انجام پژوهش حاضر، مطابق با فرمول کوکران؛ حجم نمونه جمعیت ۲۵۷۲ نفری محله هفت چنار تهران ۳۳۴ نفر محاسبه گشت. از این رو، تعداد ۳۷۰ پرسشنامه مابین ساکنین محله هفت چنار توزیع شد. از این تعداد ۲۷ مورد به دلایل گوناگونی مانند خدشه دار بودن تعدادی از پرسشنامه‌ها و همچنین عدم برگرداندن آنها حذف گردید. بدین ترتیب حجم نهایی نمونه و تعداد پرسشنامه‌های بدست آمده به ۳۴۳ نفر اتمام یافت. نمونه گیری در پژوهش حاضر به روش در دسترس توزیع گشت. شیوه کامل شدن پرسشنامه‌ها بدین صورت بود که پرسشنامه‌ها به صورت حضوری به ساکنان تحویل داده شد و در مراجعات بعدی تحویل گرفته شد. به لحاظ شناسایی مؤلفه‌های سازنده

کیفیت ادراکی - معنایی در محیط پرسشنامه اولیه مستخرج از ادبیات موضوع با ۲۳ سؤال که دربرگیرنده مؤلفه های هویت، حس تعلق خاطر و خوانایی بود؛ آماده و پخش گشت. برای معین نمودن اعتبار ابزار پژوهش همراه با روایی پرسشنامه‌ها از شیوه بازگشت پرسشنامه به اساتید و متخصصین صاحب نظر بهره گرفته شد. در این مسیر از تعداد ۱۰ نفر از متخصصین پژوهش حاضر، در رابطه با اعتبار پرسشنامه‌ها نظرسنجی گشت. لازم به ذکر است که از ۳۳ پرسشنامه پخش شده میان ساکنین این محله، ۲۹ عدد گردآوری شد و بعد از دو تغییر جزئی در ظاهر سئوالات، پرسشنامه ها نهایی گشت. جهت سنجش پایایی پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفای محاسبه شده در پژوهش حاضر برابر ۰/۷۶ و در تمام ابعاد و سطوح بیش از ۰/۷۰ می‌باشد. از این رو پایایی پرسشنامه مورد تأیید است. حال در ادامه شاخص‌های پرسشنامه‌های محقق ساخته پژوهش حاضر، بر اساس «تحلیل عامل تأییدی» بررسی شد و داده‌های استخراج شده توسط نرم افزار «اس پی اس اس» نسخه ۱۶ و «لیزرال» نسخه ۸/۵، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از «آزمون تحلیل عامل تأییدی» و «آزمون t تک نمونه ای» بهره گرفته شد. لازم به ذکر است که برای کمی کردن مدل تجربی پژوهش حاضر و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش مقیاس سازی براساس طیف ۵گزینه ای لیکرت استفاده شد.

## مبانی نظری

### محیط

ادبیات محیطی بین واژه‌های متنوع؛ محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روانشناختی؛ و محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود (امیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۵). اصلی‌ترین نکته این طبقه‌بندی‌ها، تمایز میان جهان واقعی حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدارشناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری یا واکنش‌های روحی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۳۱). فضای اطراف اصلی‌ترین معیار تعاریف محیط است. بنابراین هر تعریف، توصیف، یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف باشد. کلید هر تعریفی از محیط، در این نکته نهفته است که، محیط دارای ویژگی «احاطه‌کنندگی» است. این ویژگی منجر به ایجاد مشکلات مفهومی و اصطلاح‌شناختی در فهم معانی‌ای می‌شود که هنگام استفاده از واژه محیط بدان داده می‌شود (Porteous, 1977: 39). ادبیات محیط و رفتار در تعاریف گسترده از محیط، بین واژه‌های متنوع، (۱) محیط کالبدی؛ (۲) محیط اجتماعی؛ (۳) محیط روانشناختی و (۴) محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود. نکته اصلی این طبقه بندی‌ها و دیگر دسته بندی‌هایی مثل این‌ها، تمایز بین جهان واقعی، حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدارشناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری یا واکنش‌های روحی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۲). محیط رفتاری، تصویر شناختی محیط عینی است که اساس رفتار را شکل می‌دهد (Yalcin, 2014: 104). این در حال است که محیط شخصی در بردارنده (۱) تصورات فردی از جهان است مانند تصورات ذهنی از محیط پدیده ای و (۲) محیط تجربی که مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، شخصیت‌ها و برتری‌هایی که ادراک فرد از محیط پدیده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد (De Groot & Steg, 2008: 329). محیط عملی، محیط ادراکی را در بر دارد که شامل قسمت‌هایی از محیط عملی است که در آن فرد به طور کامل از آن آگاهی دارد و دلیل این امر حضور احساس یا تجارب گذشته وی به حساب می‌آید. مرکز جای گرفته این سلسله

مراتب، محیط رفتاری است که قسمتی از محیط ادراکی محسوب می‌شود و در آن واکنش‌های فرد به آن محیط را دربر می‌گیرد (آریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). تأثیری که محیط بر انسان می‌گذارد در اثر نحوه و کیفیت ادراک آدمی از محیط پیرامونش شکل می‌گیرد. ادراک محیط بر اساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال، فضاها، عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آنها دارد، یکی از اولین نتایج مرتبط بر تماس انسان با محیط می‌باشد. این ادراک، سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت (این همانی)، احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس غرور، حقارت، تفوق، از خودبیگانگی و بسیاری احساسات و ارتباطات روانی با محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره رابطه‌ای است که اصول و ارزش‌های فرهنگی انسان یا ارزش‌های نهفته یا متجلی در محیط برقرار می‌نماید (حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

### مولفه‌های کیفی موثر در محیط

کیفیت فضای عمومی شهری، چگونگی این فضا برحسب برجسته‌ترین نمودها و حالت‌های آن است که بر فرد و اجتماع تأثیرگذار می‌گذارد و چون در این عرصه‌هاست که افراد شخصیت اجتماعی خود را شکل می‌دهند، معیار سنجشی برای میزان مطلوبیت شهرها محسوب می‌گردد (Hochhäusl & Lang, 2018:2). به گفته لینچ، یکی از علل اولیه در پدید آمدن رشد طراحی شهری، توجه به کیفیت فضاهای شهری است که این علل از دغدغه‌های جوامع گوناگون، در خصوص ارتقاء کیفیت زندگی انسان و نقشی که طراحی شهری می‌تواند از طریق «ارتقاء کیفیت محیط کالبد همگانی» در آن داشته باشد، نشأت گرفته‌اند (یکتاپور و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹). در این راستا دانش شهرسازی که نگاهی کمی به شهر داشت، با ظهور طراحی شهری، از نگاهی کیفی تر و پدیدار شناختی سود جست. لازم به ذکر است که حتی در مورد علل ثانویه ظهور دانش طراحی شهری به ارتقاء کیفیت محیط عمومی شهرها نیز اشاره می‌گردد. این دسته از علل عمدتاً ماهیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته و ارتقاء هر کدام، با بهبود شرایط کیفی محیط و در جهت به ادراک رساندن کیفیت‌های قابل توجه خود، امری مبرهن است (گلکار، ۱۳۷۸: ۷). بنابراین با شروع رشته طراحی شهری از دهه ۶۰ میلادی، توجه به محیط‌های شهری و ارتقاء کیفیت‌های آن به عنوان یکی از مهمترین زمینه‌های این حرفه نمایان شد. با گذشت زمان متخصصین محیطی در این زمینه به مطالعه پرداخته و نظرات خود را در زمینه کیفیت‌های شهری مطرح ساختند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷).

### کیفیت‌های معنایی - ادراکی

موضوع معنی و وجوه مختلف تجلی آن در کیفیت محیط، به ویژه در عرصه شهر و معماری، از نیمه دوم قرن بیستم و پس از افول اندیشه‌های خردگرایانه در چارچوب گرایش‌های هنر مدرنیستی و اقبال به رویکردهای پسامدرن، در ادبیات معماری و شهرسازی مورد توجه قرار گرفته و اغلب در چارچوب مباحث مربوط به نظریه‌های هنجاری و تحلیل نظام ادراکی افراد مورد بحث قرار گرفته است (Kazemi & Behzadfar, 2014:80). با بررسی مطالعات و پژوهش‌های افرادی چون لینچ، راپاپورت، لنگ، شولتز، وایت، ادوارد رلف، اپلبارد، دگن و غیره می‌توان به این نتیجه رسید که جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده معنا به هم مرتبط اند. تفاوت میان کیفیت‌های ادراکی موجب می‌شود که این کیفیت‌ها در ترکیب با هم تداعی‌گر معنی‌ها برای مخاطبان باشند. از دیدگاه لینچ؛ ادراک، تظاهر عینی معنی است (Lynch, 1979:2). معنایی محیط به واسطه حضور در فضا و ادراک آن تعیین می‌شود. تداوم تجربه‌های فضا بر پایه زنجیره‌ای از نظام حرکتی، تحقق شناخت و ادراک فضایی را محقق می‌سازد. کالن سواد بصری و ادراکی را عامل

مهمی در ایجاد حس رضایت افراد در تماس با محیط می‌داند (Gosling, 1996:226). بنابراین آن چه در طراحی محیط مورد بی توجهی قرار می‌گیرد؛ تأثیر مکان کالبدی بر احساس، عاطفه، حس تعلق خاطر و رضایت عمومی و سلامتی انسان است و این درحالی است که زندگی روزمره افراد محدود به فضاهای مختلفی چون شهر، خیابان، محله، بنا و اتاقی است که در آن زندگی می‌کنند این مکان‌ها بخش مدنی زندگی فرد هستند. مکان‌ها خلق می‌شوند و معنا می‌آفرینند ولی افراد از کنار آن می‌گذرند (Whyte, 198:3).

مدل‌های تشخیص ادراکی - کیفیت محیط



شکل ۱. نمودار مدل های تشخیص مولفه‌های ادراکی - کیفیت محیط، (نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول ۱. قیاس مدل‌های محیطی صاحب‌نظران، (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱)

مدل / کیفیت	سازگاری	نفوذ پذیری	گوناگونی	انعطاف پذیری	سرزندگی	خوانایی	تناسبات بصری	پایداری	کارایی
لنگ	*	*	*	*	*	*	*	-	-
اپیلارد	*	*	*	*	*	*	*	-	-
کانتر	*	*	*	-	-	*	*	-	-
کرومونا	*	*	*	*	*	*	*	*	*

بعد زمانی

عوامل محیطی و ادراکی نسبت به محیط

روانشناسان محیط زیست به عوامل و تأثیرات بسیاری از جمله تأثیرات محیطی مانند عناصر طبیعی، حسی و سازماندهی مکانی نگاه می‌کنند تا محیط فیزیکی را برای تقویت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای نامطلوب تنظیم کنند (Alain De Botton, 2008:62). از همین رو روان‌شناسان محیطی به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم از دیدگاه‌های مختلف به بررسی تأثیرات محیط معماری بر رفتار انسان و حس تندرستی وی پرداخته‌اند. از دیدگاه راسل و اسنودگراس<sup>۱</sup> کیفیت هیجانی و عاطفی محیط، مهم‌ترین بخش رابطه فرد با محیط است. زیرا کیفیت عاطفی محیط که عامل اصلی در تعیین خلق و خو و خاطرات مرتبط با یک موقعیت است می‌تواند بر سلامتی و تندرستی

<sup>1</sup> Russell & Snodgras,

فرد اثر بگذارد (Russell & Snodgras, 1987:13). محیط پیرامون ما، شکل ساختمان‌ها، رنگ، روشنایی، مواد و بسیاری از جزئیات دیگر در محیط ساخته شده این امکان را دارد که بر روی انسان یا به صورت منفی یا مثبت تأثیر بگذارد. رویکردهای روانشناختی در طراحی و ارزیابی محیط‌های ساخته شده طی دهه‌های گذشته رایج تر و پذیرفته شده‌اند. به عنوان مثال، مفاهیم مختلفی مانند محرک‌های محیطی، ادراک، شناخت، برانگیختگی، فضای شخصی، سرزمین، شخصی سازی، تراکم، تنظیم رفتار و همچنین استرس محیطی، حریم شخصی، برنامه نویسی محیطی و ارزیابی پس از اشغال<sup>۱</sup> یافت شده است که برای طراحان مفید است (Mazumdar, 2000:49).

سطح تحریکی که یک فضا در انسان به وجود می‌آورد، با ویژگی‌های فضاهای داخلی ارتباط مستقیم دارد. این ویژگی‌ها به طور عمده باعث تحریک حواس انسان از جمله حس بینایی و شنوایی انسان می‌گردند. از دیدگاه برخی روان‌شناسان محیط، متغیرهای گوناگونی از جمله الگوهای نامربوط فضایی در یک فضا، پیچیدگی و رمزآمیز بودن فضا، جدید بودن ویژگی‌های محرک، تراکم زیاد الگوهای فضایی، نور موجود در فضا، میزان گرما و رطوبت، شکل و فرم فضا، عدم امکان جهت یابی مناسب در یک فضای داخلی، مجاورت با منابع تحریک آمیز، ازدحام، ویژگی‌های سمعی و بصری انواع المان‌های موجود در فضا، شدت تنوع و تغییر ناگهانی در فضا در افزایش میزان تحریک و ایجاد استرس در انسان موثرند (Baum & Paulus, 1987:536). گیبسون (۱۹۵۰) استدلال می‌کند که تعامل شخص با محیط مستلزم دوگانگی است که از نقش ناظر و محیط ناشی می‌شود. در مقابل، هیچ تفاوتی بین درک "اینجا" و "آنجا" وجود ندارد، زیرا این دو حاوی یک جریان مداوم از سطوح هستند که از یکی به دیگری گسترش می‌یابد (Yalcin, 2014:105). یک مدل التقاطی از روابط محیط و رفتار توسط بل و همکاران معرفی شد (۲۰۰۱). در آن مدل، شرایط عینی محیطی، مانند نشانه‌های فیزیکی و ویژگی‌های طراحی ساختمان، مستقل از فرد وجود دارد، اگرچه فرد می‌تواند برای تغییر آنها اقدام کند (حاتمی، ۱۳۹۴:۱۵۸). این نشانه‌های فیزیکی بیانگر تقاضای واقعی فرد است و در طول مشاهده یا تعامل به یک تقاضای درک شده تبدیل می‌شود. الگوی آن‌ها شامل تفاوت‌های فردی، از جمله سطح انطباق فرد، طول مدت قرار گرفتن در محیط، درک کنترل بر اوضاع، شخصیت، ترجیح حریم شخصی، دلبستگی به مکان، صلاحیت برخورد با محیط، حمایت اجتماعی و تمایل یا عدم تمایل به دیگران در موقعیت است. به عنوان اصلی ترین زمینه مورد علاقه، حمایت اجتماعی در الگوی رفتار محیطی به این احساس اشاره دارد که شخص مورد توجه دیگران قرار می‌گیرد و به آنها احترام می‌گذارد و همچنین این احساس را دارد که شخص به یک گروه تعلق دارد (Patterson, 2010:39). علاوه بر حمایت اجتماعی، یک مدل جامع‌تر باید فاکتورهای روانی اجتماعی را در بر بگیرد تا ارتباط بین طراحی محیط و فرد را نشان دهد. اگر عملکرد محیط با الگوهای ذهنی انسان مطابقت نداشته باشد، آن محیط قابلیت عملکردی ندارد و ایجاد استرس می‌نماید. این عدم توان یا قابلیت عملکردی، مانند: ابهام، تغییرات ناگهانی ادراکی، عوامل اشتباه ادراکی، بازخوردهای نامشخص، نشانه‌های مبهم، کثرت نشانه‌ها و سازگاری نداشتن الگوهای ذهنی طراحان و بهره‌وران از فضا به دلایل مختلف پدید می‌آید. در این میان مثال‌هایی ملموس در مورد توانش‌های محیط، توسط پژوهشگران مطرح گردیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به قابلیت پله برای بالا رفتن و پایین آمدن، متناسب با ابعاد انسانی اشاره نمود (Warren, 1984:5). از همین رو ارتباطی تنگاتنگ میان دو مفهوم توانش و ادراک محیط وجود دارد. بدین معنا که در صورتی که طرح و اجزای آن

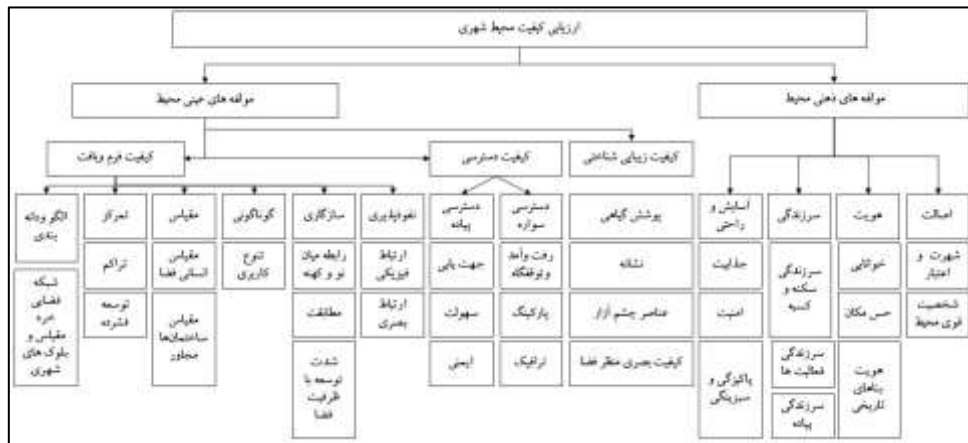
<sup>1</sup> post-occupancy evaluation



دارای توانش‌های محیطی در حد ضرورت باشد، محیط برای افراد، قابل ادراک می‌نماید. تأثیر عدم ادراک محیط بر انسان، ایجاد استرس و حالات نامطلوب روانی از جمله سردرگمی، خشم، حتی پرخاشگری یا استیصال خواهد بود (Norman, 1989:11).

### کیفیت محیطی در فضاهای شهری

نوعی که در تعریف کیفیت وجود دارد از یک سو و ادراک سلسله مراتبی انسان که موجب می‌شود، کیفیت شیء از دو منبع یعنی؛ عرصه عینی و عرصه ذهنی سرچشمه گیرد، باعث شده تا انواع کیفیت وجود داشته باشد. به طور کلی کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تأثیر عقلانی- عاطفی خاصی بر انسان می‌گذارد (قره‌بیگلو و همکاران، ۱۳۹۵:۱۰۳). در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در رابطه با شاخص‌های بهبود کیفیت محیطی صورت گرفته است و تا به حال تعداد زیادی از صاحب نظران کیفیت‌های متعددی را برای دستیابی به یک محیط شهری باکیفیت معرفی کرده اند، اما نظریات ارائه شده دارای دوگانگی می‌باشند (براتی، کاکاوند، ۱۳۹۲:۲۷). برخی نظریات که بر عرصه عینی شیء تأکید می‌کنند به کیفیت محیط شهری به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد، نگریده‌اند، به نحوی که کیفیت محیط به طور مشخص از "فرم" محیط نشأت می‌گیرد. دسته دوم که بر عرصه ذهنی فرد تکیه می‌کنند، کیفیت محیط شهری را به مثابه "پدیدار" یا "رویدادی" که در جریان دادوستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس، از یک طرف و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد، معرفی می‌نمایند (Rad Jahanbani & Partovi, 2012:63). در نهایت، در شکل زیر مؤلفه‌های ذهنی و عینی استخراج شده از دیدگاه‌های نظریه پردازان در محیط است (شکل ۲).

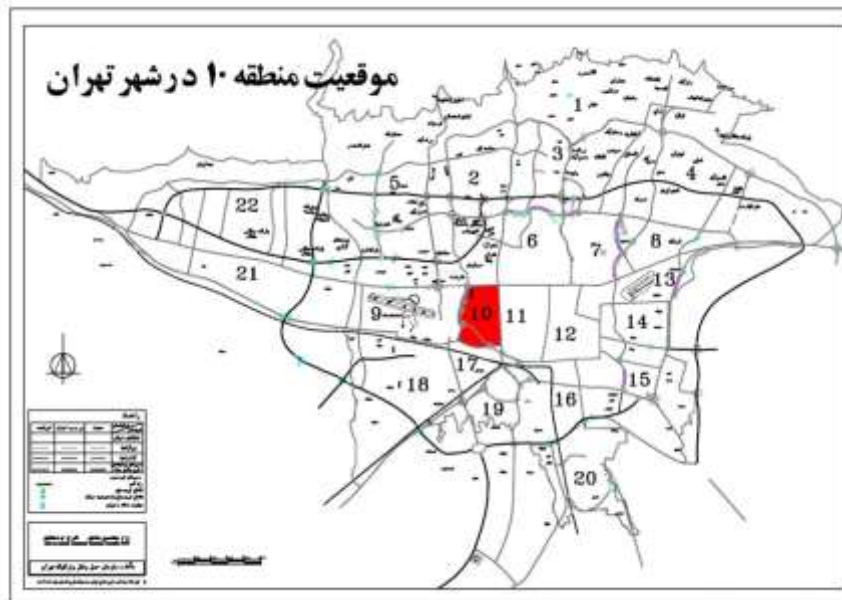


شکل ۲. نمودار مؤلفه های عینی و ذهنی محیط. (Rad Jahanbani & Partovi, 2012:63).

کیفیت‌های ضمیری به عنوان ارزش‌هایی که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به سختی می‌توان آنها را اندازه‌گیری نمود معرفی کرد. کیفیت‌های مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیاء معمولاً از این دسته هستند. در حالی که کیفیت‌های حقیقی اشیاء را می‌توان به عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه‌گیری دارند و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند. از این رو در مورد کیفیت یک شیء می‌توان گفت: کیفیت یک شیء درجه و میزان برتری، مشابهت یا فروتروی آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگی‌های آن شیء درک و محسوب می‌شود (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۴:۱۱۴).

### محدوده مورد مطالعه (محله هفت چنار تهران)

یکی از مناطق تهران، منطقه ۱۰ است که با ۸۱۷ هکتار مساحت، بعد از منطقه ۱۷ کوچکترین منطقه شهرداری تهران می‌باشد و از سه ناحیه و ده محله تشکیل شده است. محله‌های این منطقه شامل سلیمانی تیموری، هفت چنار، بریانک و شبیری جی (در ناحیه ۱)، هاشمی، کارون جنوبی و سلسبیل جنوبی (در ناحیه ۲) و زنجان جنوبی، کارون شمالی و سلسبیل شمالی (در ناحیه ۳) هستند. این منطقه از شمال به خیابان آزادی، از جنوب به خیابان قزوین، از شرق به بزرگراه شهید نواب صفوی و از غرب به خیابان شهیدان منتهی می‌گردد (شهرداری منطقه ۱۰ تهران، ۱۳۹۹: ۱۳). لازم به ذکر است که مورد پژوهی پژوهش حاضر محله هفت چنار در منطقه ۱۰ شهر تهران است. این محله از سمت شمال با خیابان کمیل و خیابان جیحون، از سمت شرق با خیابان خوش جنوبی، خیابان امیرقلی، خیابان بریانک و خیابان محبی، از سمت جنوب با خیابان قزوین و خیابان پهلوانی و از سمت غرب با خیابان رنجبر، خیابان نوری، خیابان حسام‌الدین و خیابان خواجه زاده احاطه گشته است و در مجاورت محله‌های جی، سلیمانی، هاشمی، بلورسازی، بریانک، سلسبیل جنوبی، باغ خزان، کارون جنوبی قرار گرفته است. در این محله از سطح ۸۱۷ هکتاری منطقه، ۴۶۱ هکتار (معادل ۵۷ درصد) را کاربری مسکونی تشکیل داده است؛ از این رو در این محله، کاربری مسکونی بر سایر کاربری‌ها مقدم است؛ لیکن به نظر می‌رسد این منطقه به لحاظ کیفیت محیطی، وضعیت متفاوتی دارد؛ از این رو، در پژوهش حاضر با تأکید بر معیارهای کیفیت معنا - ادراک و محیط به ارزیابی این مولفه‌ها در محله هفت چنار پرداخته است. شکل (۳)، موقعیت منطقه ۱۰ در تهران و نقشه محلات این منطقه همراه با محله هفت چنار را نشان می‌دهد.



شکل ۳. شهر تهران و موقعیت محله هفت چنار شهر تهران، (شهرداری منطقه ۱۰ تهران، ۱۴۰۰)

### یافته‌های پژوهش

قبل از تحلیل و بررسی سؤالات پژوهش، ضروری است تا از انجام تعدادی پیش فرض اصلی برای انجام آزمون‌های پارامتریک و بالاحص تحلیل عاملی تأییدی؛ اطمینان ایجاد گردد. در این راستا یکی از پیش فرض‌های نیازمند بررسی برای بهره‌مندی از آزمون‌های پارامتریک، نرمال بودن توزیع داده‌ها است. برای قضاوت راجع به نرمال بودن

توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بهره گرفته شد. همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، مقدار آماره Z برابر با ۰/۶۴۸۱ و سطح معناداری حاصل، ۰/۷۳۸ است ( $p < ۰/۰۵$ ). حال از آنجایی که مقدار Z در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ دارای معنی نمی‌باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تأیید است. در این راستا دیگر پیش‌فرض مورد سنجش، کفایت نمونه مورد مطالعه، برای انجام تحلیل عاملی است. با توجه به آزمون‌های انجام شده، مشخص گردید که میزان آماره KMO برابر با ۰/۸۴۵ می‌باشد. حال از آنجایی که این میزان از ۰/۷ بیشتر است، می‌توان اذعان نمود که، داده‌های بدست آمده پژوهش می‌توانند به تعدادی مولفه‌های زیربنایی تقلیل یابند. ضمن آنکه با مستندسازی از میزان آماره مجذور کای (۲/۳۱۲) در آزمون کرویت بارتلت، مشخص شد و سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ بدست آمد. از این رو با توجه به معنادار بودن عدد استخراج شده از آزمون مجذور کای، می‌توان دریافت که میان گویه‌های درون تک تک مولفه‌های زیربنایی، همبستگی بالایی وجود دارد و از دیگر سو میان گویه‌های یک مولفه با گویه‌های مولفه‌های دیگر، همبستگی خاصی وجود ندارد. لذا در یک جمع بندی کلی می‌توان اذعان نمود که مطابق با نتایج آزمون kmo و بارتلت نمونه مورد مطالعه (محلّه هفت چنار تهران) جهت انجام تحلیل عاملی کفایت مورد تأیید را دارد.

## جدول ۲. جمع بندی بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و کفایت نمونه گیری در محلّه هفت چنار. (نگارندگان، ۱۴۰۱)

آزمون کولموگروف اسمیرنوف		شاخص کفایت نمونه گیری		آزمون کرویت بارتلت	
آماره Z	سطح معناداری	کیزر - میر - اولکین	مجذور کای	درجه آزادی	سطح معنا داری
۰/۶۴۸	۰/۷۳۸	۰/۸۴۵	۲/۳۱۲	۲۵۳	۰/۰۰۰

در گام بعدی و در ادامه در جهت سنجش کیفیت معنایی - ادراکی به بررسی مولفه‌های منتخب پژوهش حاضر (حس تعلق خاطر، هویت و خوانایی) در محلّه هفت چنار بر اساس آزمون‌های مطرح شده پرداخته شد و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. مطابق با داده‌های این جدول مشخص می‌گردد که مقدار  $t$ ، در مورد سه بعد هویت، حس تعلق خاطر و خوانایی، از ۱/۹۶ بیشتر است و از این رو گمان می‌رود که این مولفه‌ها بتوانند نشان دهنده کیفیت معنایی - ادراکی این محلّه باشند. از این رو در جدول ۳ خلاصه مدل تحلیل عاملی تأییدی ارائه شده است. (همچنین نتایج این مدل در نمودارهای ۱ و ۲ نیز قابل استنباط است). مطابق با داده‌های این جدول مشخص شده است که مقادیر  $t$  متناظر با بارهای عاملی هر سه مولفه حس تعلق خاطر، هویت و خوانایی، در محلّه هفت چنار تهران ۱/۹۶ بیشتر است که نشان از آن دارد که این مولفه‌ها به خوبی بر کیفیت معنایی - ادراکی این محلّه تاثیرگذار هستند. حال از میان این مولفه‌ها، مؤلفه حس تعلق خاطر با بار عاملی ۰/۸۴ بیش از دو مولفه دیگر توانسته است بر کیفیت معنایی - ادراکی محیط تاثیر بگذارد. ضمناً در رابطه با برازندگی مدل ارائه شده پژوهش، نیز می‌توان اذعان نمود که بر اساس معنادار بودن آماره مجذور "کای" و مطابق با مقدار RMSEA که برابر با ۰/۰۸۹ می‌باشد؛ می‌توان بیان نمود که مدل نهایی پژوهش حاضر، مبتنی بر کاهش مولفه‌های بیان کننده کیفیت معنایی - ادراکی محلّه هفت چنار تهران، به سه مؤلفه حس تعلق خاطر، هویت و خوانایی، مدل نسبتاً خوب و قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۳. خلاصه ای از مدل تحلیل عاملی تأییدی اولیه، (نگارندگان، ۱۴۰۱)

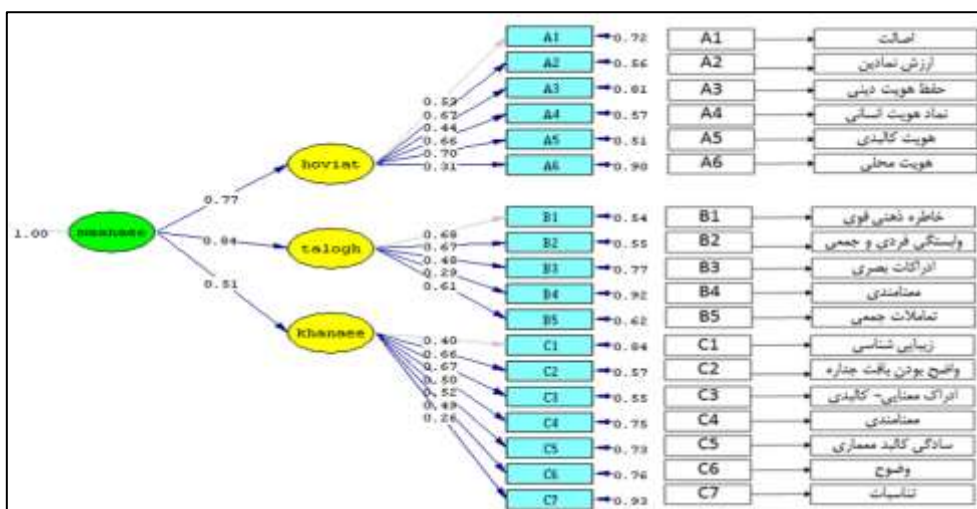
مؤلفه	آماره بتا	آماره t
هویت	۱/۰۵	۹/۵۵
حسن تعلق خاطر	۰/۸۹	۱۲/۷۸
خوانایی	۰/۵۶	۵/۳۶

Chi-Square: 833.24 df: 226 P-value: 0.000 RMSEA: 0.089

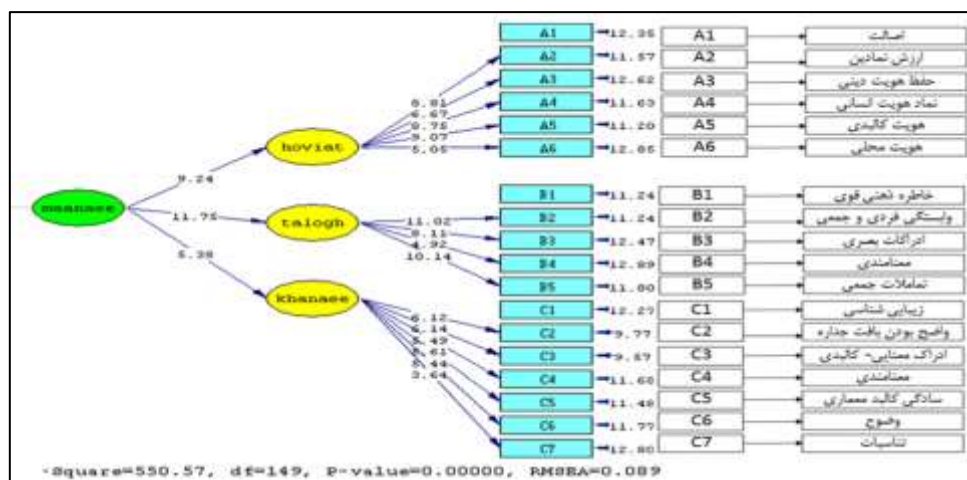
جدول ۴. خلاصه ای از مدل تحلیل عاملی تأییدی اصلاح شده، (نگارندگان، ۱۴۰۱)

مؤلفه	آماره بتا	آماره t
هویت	۰/۷۶	۹/۳۲
حسن تعلق خاطر	۰/۷۴	۱۱/۹۳
خوانایی	۰/۵۲	۵/۴۳

Chi-Square: 550.57 df: 149 P-value: 0.000 RMSEA: 0.089



نمودار ۱: مدل تحلیل عاملی در حالت تخمین استاندارد، (نگارندگان، ۱۴۰۰)



نمودار ۳: مدل تحلیل عاملی در حالت معناداری، (نگارندگان، ۱۴۰۰)

با توجه به نمودارهای فوق (نمودار ۲) که بیانگر تحلیل‌های جداول و آزمون‌ها هستند، مقادیر  $t$  متناظر با بار عاملی تمام مولفه‌ها، از ۱/۹۷ بیشتر است که این عدد نشان می‌دهد که مولفه‌های مذکور به گونه‌ای مناسب بر روی ابعاد مورد نظر بار گشته‌اند. ضمن آنکه مطابق با نتایج ارائه شده در قالب جداول و نمودار مشخص گردید که در رابطه با مؤلفه حس تعلق خاطر، شاخص خاطره ذهنی قوی از محله هفت چنار تهران با بار عاملی ۰/۶۸، توصیف‌کننده بهتری برای مؤلفه حس تعلق خاطر می‌باشد و در مولفه هویت، شاخص حفظ هویت انسانی با بار عاملی ۰/۷۵ مناسب‌تر از سایر شاخص‌ها توانسته است توصیف‌کننده این مؤلفه باشد و سرانجام مؤلفه خوانایی بیشترین حساسیت را به شاخص درک معنایی - کالبدی عناصر شاخص محله هفت چنار تهران دارد. حال از آنجایی که مولفه‌ها و ابعاد بیان‌کننده کیفیت معنایی - ادراکی در محله منتخب شناسایی گشته‌اند، در گام بعدی کیفیت معنایی - ادراکی محله منتخب (هفت چنار تهران) بر اساس آزمون  $t$  تک نمونه‌ای بررسی شده است و نتایج حاصل از آن در جدول ۴ ارائه شده است. مطابق با این نتایج، میانگین عدد کیفیت معنایی - ادراکی در این محله برابر با ۳/۴۶ و مقدار آماره  $t$  برابر با ۱۵/۰۹ است. از این رو مقدار  $t$  مثبت و در سطح ۰/۰۱ می‌باشد؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم اختلاف میانگین تجربی با میانگین نظری رد می‌گردد. ضمناً از آنجایی که میانگین تجربی بزرگتر از میانگین نظری است، مشخص می‌گردد که کیفیت معنایی - ادراکی محله هفت چنار تهران دارای معناداری بیشتر از سطح متوسط می‌باشد و نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای در مورد هر یک از مولفه‌های کیفیت معنایی - ادراکی محیط نیز بیانگر آن است که مقادیر  $t$  در مورد هر سه مؤلفه حس تعلق خاطر، هویت و خوانایی، مثبت و معنادار می‌باشد. لذا ادراکات افراد نمونه مبنی بر وضعیت محله هفت چنار تهران بر حسب هر یک از این مؤلفه‌ها به طور معناداری بیشتر از سطح متوسط است.

جدول ۴. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای پیرامون ارزیابی وضعیت درگیری شغلی در نمونه مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۴۰۱)

متغیر	تعداد	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	میانگین نظری	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معناداری
کیفیت معنایی - ادراکی	۳۴۴	۳/۴۷	۰/۵۷۰	۴	۱۵/۱۰	۳۴۳	۰/۰۰۰
هویت	۳۴۴	۳/۶۱	۰/۹۶۱	۴	۱۶/۴۰	۳۴۳	۰/۰۰۰
حس تعلق خاطر	۳۴۴	۳/۴۵	۰/۷۹۱	۴	۱۰/۵۹	۳۴۳	۰/۰۰۰
خوانایی	۳۴۴	۳/۳۳	۰/۶۱۵	۴	۹/۸۶	۳۴۳	۰/۰۰۰

### نتیجه‌گیری

امروز در فضای معماری ایران، آنچه دغدغه معماران متعهد است، خلق فضایی است که برای مخاطبانش حسی از بیگانگی نداشته باشد و به دنبال خود ادراک و معنایی را به مخاطب بدهد، که از هویت و فرهنگش سرچشمه گرفته شده باشد. اگر این دغدغه اصیل شمرده شود می‌توان اذعان نمود که این امر ممکن نخواهد شد مگر به کمک شناخت کیفیت ادراکی و معنایی در هر مکان متکی بر ادراکات معنایی دریافت شده از محیط‌های انسانی آشنا که مراتب وجودی انسان را به طور کامل در برگیرند. حال از اصلی‌ترین این محیط‌ها محله‌های شهری هستند که به

طور تام توسط عناصر مادی خود، توانسته‌اند این حس را به مخاطبان القاء نمایند. محله هفت چنار تهران که در منطقه ۱۰ شهر تهران واقع شده است، دارای کاربری مسکونی بیشتر نسبت به دیگر کاربری‌ها است و همه روزه تعداد افراد بسیاری را در خود جای می‌دهد. از این رو کیفیت معنایی - ادراکی متفاوتی را به مخاطبانش بر اساس ساختار محله القاء می‌کند. لازم به ذکر است که مولفه‌های خوانایی، حس تعلق و هویت اصلی ترین مولفه‌هایی هستند که کیفیت معنایی - ادراکی را در این محله رقم زده‌اند و از این میان مولفه حس تعلق، بیش از دو مولفه دیگر، کیفیت معنایی - ادراکی این محله را منعکس می‌نماید که این امر به دلیل وجود خاطره جمعی در مرکز محله اصلی و فرعی، مدت زمان اقامت ساکنین قدیمی محله به جهت وابستگی به محیط و همسایگان، مشارکت ساکنین محله در برگزاری مراسم‌های مذهبی و همچنین وجود وابستگی ساکنین به نوع معماری و تزیینات موجود در این محله است. ضمن آنکه نتایج بدست آمده از داده‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که شاخصه «حفظ هویت» بالاترین نقش را جهت تعریف و ایجاد مؤلفه هویت دارد و شاخصه خاطره ذهنی قوی، از مؤلفه حس تعلق خاطر نیز دارای بالاترین توصیف‌کنندگی دارا می‌باشد. این درحالی است که شاخصه ادراک معنایی - کالبدی عناصر شاخص محله هفت چنار تهران در مؤلفه خوانایی، نیز دارای بالاترین وجه حساسیت هستند. از این رو یافته‌های حاصل از امتیازات و آزمون‌های پژوهش حاضر، مقدار کیفیت محیط معنایی - ادراکی محله هفت چنار تهران را به طور معناداری بیش از ۳/۶۶ می‌داند. بنابراین در جهت بهبود کیفیت معنایی ادراکی محله هفت چنار تهران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ❖ بکارگیری تزیینات و الگوهای آجری در ساخت و سازهای معاصر محله هفت چنار تهران.
- ❖ بیشتر نمودن فضاهای بینابینی همسایگی مشترک و فضاهای سبز محله با عملکردهای تفریحی بهبود و ارتقاء تعاملات اجتماعی در محله.
- ❖ مرمت و باز زنده سازی مکان‌ها و عناصر تاریخی محله هفت چنار تهران.
- ❖ حفظ و بهبود پتانسیل‌های ارزشمند با رویکرد فضاهای ایجاد خاطرات جمعی.
- ❖ بهبود الگوهای رفتاری در محله با ساکنین از طریق بهبود گره‌های مرکز محله و ساخت مکان‌های تجمعی درون محله ای به تناسب گروه‌های سنی جهت پاتوق نمودن.

#### منابع

- آریان، وحید؛ ماجدی، حمید؛ و زرآبادی، زهرا السادات (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مؤلفه های کالبدی - فضایی مؤثر بر ارزش زمین‌های مسکونی در محله زعفرانیه تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر، شماره ۲۲، ۱۹-۲۶.
- اسدالهی، مصطفی (۱۳۸۹). بررسی نقش عناصر محیطی در کیفیت بصری فضا. نشریه منظر. شماره ۷، ۷۱-۷۰.
- امیری، عبدالرسول، نصر، طاهره؛ و مضطرزاده، نصر (۱۴۰۱). مدل یابی تاثیر ادراک محیطی ساکنان بر شکل‌گیری گونه های فضایی مسکن (مطالعه موردی: محله حسین آباد در کلان شهر شیراز). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای). دوره ۱۲. شماره ۲. ۱۱۴-۱۲۸.
- براتی، ناصر؛ و کاکاوند، الهام (۱۳۹۲). ارزیابی تطبیقی کیفیت محیط سکونت شهری با تاکید بر تصویر ذهنی شهروندان (مطالعه موردی: شهر قزوین). نشریه هنرهای زیبا. دوره ۱۸. شماره ۳. ۲۵-۳۲.

- حاتمی، مژگان (۱۳۹۴). کاربرد علم روانشناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تأکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع‌های مسکونی. مدیریت شهری. شماره ۴۲ بهار ۹۵، ۱۵۳ - ۱۷۸.
- راست بین، ساجد؛ جعفری، یاسین؛ دارم، یاسمن؛ و معززی مهر؛ طهران (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه های عمومی (نمونه موردی: جلغای اصفهان)، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۱، سال نهم، ۳۵-۴۶.
- رفیعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر؛ خادمی، مسعود و علیپور، رجا (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری. نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. (۴)، ۵۳-۴۳.
- شاهی آقلاغی، عارف؛ زنگنه، یعقوب؛ خدابنده لو، حسن؛ و درودی نیا، عباس (۱۳۹۵). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. دوره هفتم، شماره ۱ بیستم و ششم. ۷۲-۵۴.
- طهماسبی، ارسلان؛ علیزاده، هوشمند؛ و اصلانی، پرویز (۱۳۹۴). مطالعه مؤلفه‌های شکل دهنده کیفیت معنایی- ادراکی محیط، مورد مطالعاتی: محله قطارچیان سنندج. فصلنامه آرمانشهر. شماره ۲۵. ۱۱۱-۱۲۴.
- عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ و توکلی نیا، جمیله (۱۳۸۸). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲. ۸۳-۱۰۲.
- قره‌بگلو، مینو؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ و جاویدمهر، ملیحه (۱۳۹۵). شناسایی معیارهای طراحی منظر شهری با رویکرد پاسخدهی محیطی (نمونه موردی: سرای محله جمالزاده). فصلنامه هفت شهر. شماره ۵۵ و ۵۶. ۱۰۳-۱۱۷.
- گلکار، کورش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. دوفصلنامه صفا، شماره ۳۲: ۶۱-۳۸.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰). روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مظفر، فرهنگ؛ بهزاد فر، مصطفی؛ قلعه نویی، محمود؛ و راست بین، ساجد (۱۳۹۰). کمی سازی کیفیت های طراحی شهری (رویکردهای پژوهش: روانشناسی محیط و ابعاد اجتماعی طراحی شهری تهران). نشریه علمی- پژوهشی آرمانشهر، شماره ۱۱، ۲۵۱-۲۶۸.
- ملک عباسی، سلمان، مرادی مسیحی، وراز، بهزادفر، مصطفی؛ و مدیری، آتوسا (۱۴۰۱). ارائه ساختار فضایی محلات کرمان؛ مبتنی بر روابط متقابل فضایی مکان های عمومی کهن و فضاهای شهری نو. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). دوره ۱۲. شماره ۳. ۴۰۴-۴۲۲.
- نصیر سلامی، محمد رضا؛ و سوهانگیر، سارا (۱۳۹۲). راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر با رویکرد روانشناسی محیطی. فصلنامه پژوهش هنر، شماره ۳۵، ۱۱-۴۲.
- یکتاپور، رضا، حافظ رضازاده، معصومه؛ و میری، غلامرضا (۱۴۰۱). الویت بندی محلات بافت تاریخی با رویکرد تجدیدحیات شهری وبا استفاده از مدل چند شاخصه ELECTRE (مطالعه موردی شهر کرمان). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). دوره ۱۲. شماره ۳. ۲۷-۴۲.

Alain De Botton, J. (2008). The Architecture of Happiness, Reprint edition (New York: Vintage, 2008).

Baum, A. & Paulus, P. B. (1987). Crowding. In D. Stokols & I. Altman Eds, Handbook of Environmental Psychology, New York: Wiley, 534-570.

- Dadashpour, H. & Koslokheh, S. (2014). Evaluation of Interaction between Person and Living Environment in New Neighborhoods by Using Objective and Subjective Quality Assessment; Case study: Tehran's Oil Town. *Motaleate-Shahri*, 6
- De Groot, J., & Steg, L.(2008). Value orientations to explain beliefs related to environmental significant behavior: How to measure egoistic, altruistic, and biospheric value orientations. *Environment and Behavior*, 40(3), 330-354.
- Gosling, D. (1996). *Gordon Cullen: Vision of Design*. Britain: Academy Editions.
- Hochhäusl, S. & Lange, T.(2018). Architecture and the Environment, *Architectural Histories*, 6(1): 20, pp. 1-13.
- Kazemi, A., & Behzadfar, M. (2014). Recognition the System of Environmental Meanings in Historical Environments with an Emphasis on Social Transformations of the Audience; Case Study: Sayyhalan Neighborhood of Rasht. *Motaleate-Shahri*,(6), 75-87.
- Mazumdar, S.(2000). Design professionals and the built environment. In P. Knox & P. Ozolins (Eds.), *People and the built environment*,157-169.
- Norman, D. (1989). *The psychology of Everyday Things*. New York: Basic
- Patterson, D.D.(2010).*Contributions of Environmental Psychology of Visitor Studies*.Jacksonville, Alabama: Jacksonville State University, n.d.
- Porteous, J.D. (1977) . *Environment and Behavior: planning and everyday urban life*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Rad Jahabani, N. & Partoi, P. (2012). Comparative Study of Environmental Quality in Urban Neighborhoods, with Sustainable Development Approach, Case Study: Street Neighborhoods and Ilgoli of Tabriz. *Journal of Architecture and Urban Planning* (6), 25-49.
- Rafeiyan, M. Kademi, M. & Alipour, R. (2012). Sustainable Neighborhood Development Strategies. *Journal of Tarh-o-namad*, Tehran, 3.
- Russell, J. A. & Snodgras, J. (1987). Emotion and the Environment. In D. Stokolos & I.Altman (Eds), *Handbook of environmental Psychology*. Toronto: John wiley & sons.
- Saeidnia, A. (2004).*Urban Development Plans, Problems and Strategies*. Mahnameh-ye-Shardari-ha, Tehran, 8.
- Warren, W. H. (1984). Perceiving Affordances: Visual Guidance of Stair Climbing. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 10(5).1-13.
- Whyte, W.H. (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. New York, Conservation Foundation.
- Yalcin, M.( 2014). Exploratory and descriptive aspects of environmental psychology course within the interior design education, *The AIA Journal*, 70(1) , 103-114.